



# مشکل خون در رگ‌های من

نامه‌های احمد شاملو به آیدا

بود، یکبار دیگر مرا به زندان بازگرداند. تصور  
چند بیدارم و یک بار دیگر منم فرود  
چاپ پنجم  
«مغزوم درست فرد را پیدا کنی کرد؟ چه می



MIX  
papier aus verantwortungsvollen  
quellen  
FSC® C019863

نشان استاندارد کاغذ بالک سوئد

سرشناسه: شاملو، احمد، ۱۳۷۹ - ۱۳۰۴

عنوان و نام پدیدآور: مثل خون در زنگهای من / احمد شاملو و ایدا

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص

شابک: 978-600-229-471-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: شاملو، احمد، ۱۳۷۹ - ۱۳۰۴ - نام‌ها

موضوع: سرکیسیان، ایدا (شاملو)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ص ۱۸۵ / PIR۸۱۱۴

رده‌بندی دیویی: ۶۳ / ۸۶

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۷۱۸۵۷۳





cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: زیاده‌ری ادبیات - نامه

## مثل خون در رنگ‌های من

نامه‌های احمد شاملو به ایدا

مدیر هنری: مجید عیسی

لیتوگرافی: یاختر

چاپ: دلاهو

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴، تهران

چاپ پنجم: پاییز ۱۳۹۵، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.  
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۴۷۱-۵

تلفن دفتر انتشارات نشر چشمه:

۸۸۹۱۲۱۸۴

دفتر فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابرو بخان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۹۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کوروش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، ترسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم.

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۲۵۵-۷

۹

سخن ناشر

۱۱

آیدای عزیز من! — ۷ خرداد ۱۳۴۱

۱۶

آیدای خوب من! — ۹ یا ۱۰ خرداد ۱۳۴۱

۱۹

آیدای من! — خرداد ۱۳۴۱

۲۴

آیدای خوب خوشگل من! — خرداد ۱۳۴۱

۳۰

آیدا! عشق و شعر و امید... — ۱ تیر ۱۳۴۱

۴۲

شبانه — شهریور ۱۳۴۱

۴۴

آیدا، تپش‌های قلبم! — ۲۹ شهریور ۱۳۴۱

۴۹

آیدا، امید و شیشه‌ی عمرم! — ۲۷ مهر ۱۳۴۱

۵۲

شک نداشته باش... — ۲۳ آذر ۱۳۴۱

۵

فهرست نامه‌ها

۵۶

آیدا، امید و زندگی من! — ۲ دی ۱۳۴۱

---

۶۰

احمد خوب خودم. (آیدا) — ۴ دی ۱۳۴۱

---

۶۳

آیدای خوب، آیدای مهربان... — ۸ دی ۱۳۴۱

---

۱۶۸

خانم آیدا... (فریدون ایللیکی) — ۱۶ دی ۱۳۴۱

---

۷۱

آیدای خودم... — احتمالاً اردیبهشت ۱۳۴۲

---

۷۷

آیدا، خدا و مذهب من! — ۱۶ تیر ۱۳۴۲

---

۸۴

آیدای نازنین خوب خودم. — ۲۹ شهریور ۱۳۴۲

---

۸۷

آیدای خوشگلم!... — ۲۷ - ۲۸ مهر ۱۳۴۲

---

۹۱

آیدا، همزاد من! — ۳۰ آبان ۱۳۴۲

---

۱۰۲

آیدا، باقی عمرم! — ۶ آذر ۱۳۴۲

۱۰۷

آیدا، نازنین ترین چیز من... — ۱ دی ۱۳۴۲

---

۱۱۲

امید و عشق و بیرونوشتم. — ۳ دی ۱۳۴۲

---

۱۲۳

تپش های قلب من... — ۵ دی ۱۳۴۲

---

۱۲۷

عزیزم. — ۲۰ دی ۱۳۴۲

---

۱۲۹

آیدا در آینه — ۲۰ بهمن ۱۳۴۲

---

۱۳۳

آیدای خودم، آیدای احمد... — ۱۷ فروردین ۱۳۴۳

---

۱۳۵

آییشک خوب نازنینم! — ۲۳ شهریور ۱۳۴۳

---

۱۳۶

آیدای نازنین و گرامی من! — ۱۶ بهمن ۱۳۴۵

---

۱۴۳

صالح پور گرامی. — ۱۶ بهمن ۱۳۴۵

---

۱۴۶

مامیشکای خودم. — ۶ شهریور ۱۳۴۷

۱۴۸

نازنین! آیشک خودم!... — ۶ خرداد ۱۳۴۹

---

۱۵۲

نازنینم. سلام... (کارت) — ۲ فروردین ۱۳۵۴

---

۱۵۳

عزیز بی همما... (کارت) — ۴ فروردین ۱۳۵۴

---

۱۵۴

آیشکای خوب... (کارت) — ۱۹ فروردین ۱۳۵۴

---

۱۵۵

هجراتی — فروردین ۱۳۵۴

---

---

---

---

---

باید زمان زیادی می گذشت تا خانم آیدا می پذیرفت این نامه‌ها را علاقه‌مندان احمد شاملو نیز بخوانند و شاید اگر نبود درخواست چندین باره‌ی من و یاری مؤثر سولماز سپهری این نامه‌ها هرگز رونمایی نمی شد.

اگر این نامه‌ها بتوانند به جوانان مان بگویند که می توان زندگی مشترکی را که با عشق آغاز شده - برخلاف نظر برخی که معتقدند عشق با ازدواج رنگ می‌بازد - با عشق ادامه داد و با عشق به پایان برد، آن گونه که شاملوی عزیز و آیدای گرامی بودند، - و بانو آیدا هم چنان هست - می توان نتیجه گرفت انتشار آن‌ها کار درستی بوده است!

شاملو این دلبستگی را در راستای اندیشه‌های متعالی که در سر دارد می‌داند آن چنان که خود در یکی از این نامه‌ها می‌گوید:

«... تو طلوع کردی و عشق باز آمد، شعر شکوفه کرد و کبوتر شادی بال‌زنان باز گشت، تنهایی و خستگی بر خاک ریخت. من با توام، و آینه‌های خالی از تصویرهای مهر و امید سرشار می‌شوند.»



از خانم آیدا شنیده‌ام که چند نامه هم آقای شاملو برای ایشان نوشته و به کسانی سپرده بود تا به مقصد برسانند که نرسید. تقاضایم این است که چنانچه نامه یا نامه‌هایی از این دست نزد دوستان وجود دارد، محبت کرده به ما برسانند تا شاید بتوان برای چاپ‌های بعدی این مجموعه از آن نامه‌ها بهره برد.

حسن کیانیان

افسوس. چشم‌های تو که مثل خون در رگ‌های من دوید، یکبار  
دیگر مرا به زندگی بازگرداند. تصور می‌کردم خواهم توانست به  
این رشته پرتوان عشقی که به طرف من افکنده شده است چنگ  
ببندازم و یکبار دیگر شانس خودم را برای زندگی و سعادت  
آزمایش کنم. چه می‌دانستم که برای من، هیچگاه "زندگی" مفهوم  
درست خود را پیدا نخواهد کرد؟ چه می‌دانستم که در بدری و  
پس، سروسامانی، سرنوشت ازلی، و آمدی من است. چه می‌دانستم که

افسوس. چشم‌های تو که مثل خون در رگ‌های

<a href="http://www.cheshmeh.ir">www.cheshmeh.ir</a>	ISBN-13: 978-600-229-471-5
	
دریازه‌ی ادبیات - ۱۷۱	9 786002 294715
۲۸۰۰ تومان	

من رشته پرتوان  
آزمایش کنم. چه می‌دانستم که برای من، هیچگاه